

الگوی شایستگی‌های فردی مرجعیت علمی در اساتید دانشگاهی

مقاله پژوهشی
اصل
Original
Article

زهره محمدیاری^۱، محمد تابان^۲، مبینا تابان^۳

چکیده

هدف: مرجعیت علمی در نظام آموزش عالی کشور، نگاه محوری و موضوع اصلی پژوهش محسوب می‌شود. مرجعیت علمی اصالتاً پدیده‌ای فردمحور است و بر همین اساس، افرادی که در این فرایند قرار می‌گیرند، باید از صلاحیتهایی برخوردار باشند. لذا شناسایی شایستگی‌های مرجعیت علمی، موجب تسریع در روند دستیابی به این پدیده مهم می‌شود. هدف اصلی این تحقیق، شناسایی شایستگی‌های فردی مرجعیت علمی در اساتید دانشگاهی بود. **روش:** تحقیق حاضر در حوزه آموزش عالی انجام شده است. این تحقیق بر اساس هدف، کاربردی و بر اساس ماهیت روش، تحقیق کیفی است که با رویکرد اکتشافی انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش را اساتید خبره دانشگاهی تشکیل داده‌اند. برای نمونه تحقیق با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، تعداد ۱۴ نفر انتخاب شدند. ابزار اصلی گردآوری داده‌ها، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته بود. برای بررسی اعتبار مصاحبه‌ها، از روش سه سویه‌سازی و پایایی بین دو کدگذار و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از تکنیک تحلیل تم استفاده شد. **یافته‌ها:** با تحلیل داده‌های تحقیق، در مجموع ۴۶ مضمون پایه شناسایی شد که در قالب ۱۲ مضمون سازمان‌دهنده و سپس در قالب پنج ضمون فراگیر دسته‌بندی شدند. **نتیجه‌گیری:** شایستگی‌های فردی مرجعیت علمی در اساتید دانشگاهی عبارتند از: خلق و خوی سازمانی سازنده، کیفیت تدریس، صلاحیت حرفه‌ای، فرهنگ محوری و پایداری فرهنگی و حرکت در جهت توسعه پایداری. به طور کلی، ترکیب این عوامل می‌تواند به ایجاد چارچوبی قوی برای مرجعیت علمی اساتید دانشگاه منجر شود و آنان را به عنوان الگوهای علمی در جامعه معرفی کند. پیشنهاد می‌شود اساتید دانشگاهی با توسعه مهارت‌های ارتباطی و توسعه محتوای آموزشی، همچنین تقویت صلاحیتهای حرفه‌ای، ضمن ترویج رفتارهای پایداری، در راستای تبدیل شدن به مرجعیت علمی قدم بردارند.

واژگان کلیدی: مرجعیت علمی، شایستگی‌های فردی، صلاحیت حرفه‌ای، فرهنگ محوری، آموزش عالی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۸

۱. استادیار گروه مدیریت، دانشگاه لرستان. خرم آباد، ایران. Mohammadyari.z@lu.ac.ir
۲. دانشیار گروه مدیریت، دانشگاه ایلام. ایلام، ایران. (نویسنده مسئول) M.taban@ilam.ac.ir
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت مالی، پردیس بین‌المللی کاسپین، دانشگاه تهران. تهران، ایران.

الف) مقدمه

آموزش عالی، یکی از عوامل اصلی پیشرفت جوامع محسوب می‌شود (ایکس‌ترام،^۱ ۲۰۲۳). اهمیت آموزش عالی در پیشرفت جوامع به دلیل جوان‌سازی و توسعه منابع انسانی است. در طول انتقال دانش، فرد به مهارت‌های لازم برای شرکت در بازار کار دست پیدا می‌کند و می‌تواند در بخش‌های مختلف تولید و خدمات مشارکت کند. این مهارت‌ها و دانش فنی، علاوه بر نیازهای شخصی، به رشد اقتصادی و رفع نیازهای جامعه کمک می‌کنند (مالتاس^۲ و همکاران، ۲۰۲۲). با تسلط بر فنون پیشرفته و تحقیقات علمی، آموزش عالی می‌تواند به توسعه فناوری و نوآوری در جوامع کمک کند که در نتیجه، به بهبود شرایط زندگی افراد و رشد اقتصادی کشورها منجر شود. (الیتا^۳ و همکاران، ۲۰۱۹)

استادان دانشگاه نقش بسیار مهمی در پیشرفت جوامع دارند. استادان ضمن ارتباط مستقیم با دانشجویان، به آنان انگیزه می‌دهند تا در زمینه‌های تحقیقاتی و علمی فعالیت کنند (دالبی^۴ و همکاران، ۲۰۲۱). از طریق راهنمایی‌ها و توجیهات استادان، دانشجویان می‌توانند به رشد و پیشرفت خود ادامه دهند و به شناخت بهتری از جوامع خود برسند (فریگریو^۵ و همکاران، ۲۰۲۱). استادان دانشگاه با تحلیل و بررسی مسائل مختلف، به دانشجویان کمک می‌کنند تا به پاسخ‌های خلاقانه‌ای برسند و راهکارهای جدید برای مشکلات جامعه ارائه دهند (بالاز^۶ و همکاران، ۲۰۲۱). در این راستا، استادان نقش مهمی در ترویج اندیشه‌های پیشرفته و نوآورانه دارند که برای پیشرفت جوامع بسیار ضروری است (امیراجمندی و همکاران، ۱۴۰۱). مرجعیت علمی استادان دانشگاه نقش کلیدی در پیشرفت دانشجویان دارد. اساتید دانشگاه با مرجعیت علمی، توانایی بیان دیدگاه‌های علمی خود و براساس آنها، توان تأثیرگذاری در تحقیقات دیگران و جامعه علمی را دارند (ویتلی^۷، ۲۰۱۴). همچنین می‌توانند تحولات و نوآوری‌های علمی را در زمینه‌های مختلف ترویج دهند و نقشه‌های راه برای پژوهش‌های آینده ارائه دهند (حافظی و همکاران، ۱۴۰۱). مرجعیت علمی اساتید دانشگاه به معنای قدرت و تأثیر آنان در جامعه علمی است. مرجعیت علمی به نوعی پیشتازی در عرصه علم و برتری علمی اشاره دارد که باعث می‌شود جویندگان علم به جایگاهی که رتبه مرجعیت علمی را داراست،

-
1. Ekström
 2. Multas
 3. Eleta
 4. Dalby
 5. Frigerio
 6. Balász
 7. Whitley

مراجعه کنند (بختیاری و همکاران، ۱۴۰۰). مرجعیت علمی، مهم‌ترین رکن و محور توسعه است. به منظور ایجاد چنین مرجعیتی؛ یعنی حاکمیت نگرش علمی بر باورهای فرهنگی جامعه، سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی چه از طریق نظامهای آموزشی و پژوهشی و چه از طریق آموزشهای ضمن خدمت و تکمیلی ضرورت پیدا می‌کند. (مهدی‌نژاد نوری و همکاران، ۱۳۹۹)

چرایی مرجعیت علمی را با توجه به اهداف اساسی آموزش عالی می‌توان بیان کرد. از آنجا که دانشگاهها و مراکز آموزش عالی کشور اهداف خاصی را دنبال می‌کنند که در نهایت به تولید و توسعه علمی کشور می‌انجامد؛ بهتر است از آنها با عنوان کانونهای تربیت «مراجع علمی» نام ببریم؛ زیرا ارتقای سطح دانش و معرفت و ابداع دانش نوین، انتقال دانش (آموزش علوم و فنون در سطح پیشرفته)، تربیت نیروی انسانی متخصص برای دنیای کار، ارائه خدمات علمی و فنی، فراهم آوردن امکان آموزش مستمر برای دانش‌آموختگان، تربیت دانشمندان و پژوهشگران، میزان برای ابداع، توسعه دانش و فناوری، هماهنگی فعالیتها به منظور نوسازی جامعه و تغییر و تحولات عمیق در نظام اقتصادی و اجتماعی جامعه، از اهداف اساسی آموزش عالی و دانشگاهها می‌باشند. (سعدآبادی و همکاران، ۱۳۹۹)

بحث مرجعیت علمی توسط مقام معظم رهبری برای اولین بار در سال ۱۳۸۴ و در جمع دانشجویان دانشگاه امام صادق (ع) مطرح شد (دیدار عید غدیر، ۱۳۸۴) و پس از آن، ایشان در مجامع علمی دیگر نیز بر آن تأکید کردند. از آن زمان به بعد، بحثهای فراوانی پیرامون این مقوله ارائه شده است؛ اما به صورت علمی در باب شایستگی‌های فردی به این مقوله توجه جدی نشده است. مرجعیت علمی اساتید دانشگاهی در بیانات رهبر ایران به عنوان یک عنصر کلیدی در پیشبرد اهداف علمی، فرهنگی و اجتماعی کشور مطرح می‌شود و بر این نکته تأکید دارد که اساتید باید در این راستا فعال و مؤثر باشند. رهبر انقلاب اسلامی بر اهمیت نقش اساتید در پیشبرد علم و فناوری در کشور تأکید دارند. آنان به عنوان پیشگامان و هدایت‌کنندگان در این مسیر عمل می‌کنند و می‌توانند نسلهای جدیدی از پژوهشگران و متخصصان را تربیت کنند. همچنین بر لزوم ایجاد یک جامعه علمی و پژوهشی تأکید دارند و اساتید با فعالیتهای خود می‌توانند به این هدف کمک کنند. مرجعیت علمی اساتید باید همراه با توجه به مسائل فرهنگی و ارزشی کشور باشد. رهبر انقلاب بر لزوم تعریف و تبیین ارزشهای اسلامی و ملی در فعالیتهای علمی تأکید دارند و اساتید می‌توانند با تلاش در این زمینه، به مرجعیت علمی خود افزوده، به توسعه فرهنگی کمک کنند. با توجه به مطالب

پیش گفته و تأثیر بسزای استادان مطرح و مرجع علمی در جامعه؛ هدف اصلی این تحقیق، شناسایی شایستگی های فردی مرجعیت علمی استادان دانشگاه می باشد.

۱. چارچوب نظری

یک) مرجعیت علمی

برای تبیین مفهوم مرجعیت علمی با نگاه معادله عرضه و تقاضا؛ باید گفت که از نگاه تقاضا (پیروان)، مرجعیت علمی زمانی تحقق پیدا می کند که دیدگاه های مطرح شده، بهتر از دیگران به انتظارت و نیازهای پیروان پاسخ دهند. از نگاه عرضه، اعلم بودن، نوآوری، جامع نگری، تنوع نگری، پیشوای علمی بودن و مانند اینها پایه گذار مفهوم مرجعیت علمی اند. در نهایت باید گفت مرجعیت علمی آخرین پله در نردبان ترقی علمی برای فرد محسوب می شود. پایداری این مرجعیت می تواند به زمان حیات فرد مربوط شود یا چند دهه و حتی چند قرن ادامه داشته باشد. (کوشازاده و همکاران، ۱۳۹۸)

مرجع علمی، دانشمند عالی رتبه ای است که مکتب علمی خاصی را رهبری کرده و پیروان زیادی دارد که در مباحث و نوشته های علمی به دیدگاه ها و نظریه های او استناد می کنند. شایستگی های محوری مرجع علمی عبارتند از: اعلم بودن، جامع نگری، نظریه پردازی، عدالت علمی، نگرش سیستمی و نگرش راهبردی (تابان و همکاران، ۱۳۹۵). مرجعیت علمی «یک تلاش فردی، گروهی و بلندمدت است که مطابق با نیازهای فرد و جامعه برای تولید علم صورت می پذیرد. فرد مرجع علاوه بر پیشتاز بودن در عرصه علمی، دارای ویژگی های ممتاز معنوی و اخلاقی است و نتایج تولید علمی مرجع، موجب حل برخی مشکلات و مسائل جامعه می شود. همچنین فرد مرجع از نظر ویژگی های شخصیتی، مدیریت و شایستگی های محوری، کمال گرا و شکوفا می باشد. (طاهری، ۱۳۹۸)

مرجعیت علمی به جایگاه و تأثیر پژوهشگران، دانشگاه ها و مؤسسات علمی در تولید و انتشار دانش و تأثیر آن بر جامعه و تصمیم گیری ها اشاره دارد. در این زمینه، نظریه های مختلفی وجود دارند که می توانند به درک بهتر مرجعیت علمی کمک کنند.

- نظریه سرمایه اجتماعی: به اهمیت روابط و شبکه ها در ایجاد مرجعیت علمی تأکید دارد. افراد و مؤسسات با داشتن شبکه های قوی از ارتباطات می توانند در جامعه علمی و غیر علمی تأثیرگذارتر باشند.

- نظریه شناختی: به چگونگی ایجاد، توزیع و پذیرش دانش توجه دارد. میزان اعتبار و مرجعیت علمی بستگی به کیفیت و صحت اطلاعات و پژوهشها دارد.

الگوی شایستگی‌های فردی مرجعیت علمی در اساتید... ♦ ۱۱

- نظریه نیروی نرم: به قدرت نفوذ و جذابیت در برقراری ارتباط با دیگران اشاره دارد. دانشگاه‌ها و پژوهشگران با استفاده از جذب دانش و ایجاد تأثیرات مثبت می‌توانند به مرجعیت علمی دست یابند.
 - نظریه بازنمایی: به چگونگی ارائه و تفسیر اطلاعات و بازنمایی دانش تأکید دارد. فرایندهای بازنمایی می‌توانند بر درک و پذیرش علمی تأثیر بگذارند.
 - نظریه نظامهای علمی: به روابط متقابل بین عناصر مختلف علمی، شامل پژوهشگران، دانشگاه‌ها، جوامع علمی و صنعتها می‌پردازد. درک این نظامها می‌تواند به تبیین مرجعیت علمی کمک کند.
 - نظریه نوآوری و پذیرش فناوری: به فرایند پذیرش و گسترش فناوری‌های جدید در جوامع علمی و غیر علمی می‌پردازد. مرجعیت علمی می‌تواند به تأثیرگذاری بر روند پذیرش این فناوری‌ها منجر شود.
 - نظریه همکارانه: بر اهمیت همکاری بین پژوهشگران و مؤسسات علمی برای ایجاد نتایج پژوهشی با کیفیت بالا و افزایش مرجعیت علمی تأکید دارد.
 - نظریه نظم اجتماعی: به نحوه تأثیرگذاری علم بر نظم اجتماعی و چگونگی ایجاد تغییرات اجتماعی از طریق علم می‌پردازد. مرجعیت علمی می‌تواند در ایجاد نظم و توسعه پایدار مؤثر باشد.
- این نظریه‌ها و مدلها می‌توانند به درک عمیق‌تر مرجعیت علمی و عوامل مؤثر در آن کمک کنند. (تابان و همکاران، ۱۳۹۵)

دو) مرجعیت علمی در آموزش عالی

پیشتازی در عرصه علم و فناوری، یکی از محورهای سیاستهای کلی ابلاغی مقام معظم رهبری است. جهاد مستمر علمی با هدف کسب مرجعیت علمی و فناوری در جهان با تأکید بر تولید علم و توسعه نوآوری و نظریه‌پردازی، ارتقای جایگاه جهانی کشور در علم و فناوری و تبدیل ایران به قطب علمی و فناوری جهان اسلام، توسعه علوم پایه و تحقیقات بنیادی و دستیابی به علوم و فناوری‌های پیشرفته، از سیاستهای ابلاغی برای برنامه‌ریزی ویژه می‌باشند (حافظی و همکاران، ۱۴۰۱). بهره‌مندی از توانمندی‌های دانشگاه‌ها، فرصت مناسبی برای توسعه منطقه و کشور محسوب می‌شود. بدین لحاظ، ضرورت دارد برجسته‌ترین توانمندی‌ها و موفقیت‌های هر دانشگاه به مجامع علمی معرفی شود.

برنامه‌دستیابی به مرجعیت علمی از ابتدای سال ۱۳۹۴ آغاز به کار کرد. این برنامه در نظر دارد با شناسایی مستمر افراد توانمند و ارائه حمایت‌های ویژه از آنان، کشور را به سمت مرجعیت علمی در منطقه و جهان سوق دهد (سعدآبادی و همکاران، ۱۳۹۹). موفقیت و توسعه هر دانشگاه یا مرکز آموزش عالی در گرو توجه متوازن به هر دو نقش بنیادی آموزش و پژوهش است و همانطور که مقام معظم رهبری فرمودند؛ امروز یکی از دو، سه، کار اصلی و اساسی برای حفظ هویت، موجودیت، استقلال و آینده، مسئله تحقیق علمی است. کمیت و کیفیت پژوهش‌های دانشگاهی از مهم‌ترین معیارها برای پیشرفت علمی و تعالی دانشگاه‌هاست (بخش‌یاری و همکاران، ۱۴۰۰). نظام آموزش عالی کشور به دانشگاهی مرجع برای توسعه و ترویج علم، گسترش آموزش متناسب با نیازهای جامعه و آمایش سرزمین، دانش‌افزایی و توانمندسازی منابع انسانی و توسعه آموزش عالی فراملی و بهره‌گیری از فرصت‌های آموزشی منطقه نیاز دارد (تابان و همکاران، ۱۳۹۵). بررسی سیاست، برنامه‌ها و نظام‌های آموزشی کشورهای توسعه‌یافته نیز گویای این واقعیت است که این کشورها به اهمیت و جایگاه علم و فناوری واقف بوده، برای دستیابی به توسعه علمی و مرجعیت علمی، اقدام به برنامه‌ریزی راهبردی و سرمایه‌گذاری کلان کرده‌اند. (امیراجمندی و همکاران، ۱۴۰۱)

۲. پیشینه تجربی تحقیق

تاکنون درباره مرجعیت علمی، تحقیقات متعددی انجام شده است. امیراجمندی و همکاران (۱۴۰۱) در مطالعه‌ای به بررسی مرجعیت علمی و ارزشهای بوم‌محور در نقشه جامع علمی کشور پرداخته و به این نتیجه دست یافته‌اند که دال مرکزی این گفتمان، «مرجعیت علمی نوآورانه» است که از طریق مدل‌هایی همچون: «علم بومی» و «اقتصاد دانش‌بنیان» ساخت معنایی خود را پیدا کرده است. این تثبیت با هژمونی «فرهنگ‌محور/ بوم‌محور» حمایت شده است و زمینه‌های اسطوره‌سازی این سند نیز از طریق شعارهایی همچون: «برپایی تمدن نوین اسلامی»، «افزایش تولید فناوریانه به بیش از ۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی» و «مرجعیت علمی زبان فارسی»، فراهم شده است. اصول مستخرج عبارتند از: مرجعیت علمی، ارزشهای بوم‌محور، نفی وابستگی، صلاحیت حرفه‌ای، شبکه‌سازی علمی، آموزش پژوهش‌محور، توانمندسازی، پژوهش تقاضا‌محور و تمدن نوین اسلامی.

حافظی و همکاران (۱۴۰۱) در مطالعه‌ای به «بررسی ویژگی‌ها و چالش‌های مرجعیت علمی ایران از منظر سرآمدان» پرداخته و به این نتیجه دست یافته‌اند که وجود ابهام در تعریف مفاهیمی همچون مرجعیت علمی که ویژگی تکاملی دارند، نقیصه نیست، بلکه تابعی از

شرایط و بستر توسعه علمی در حوزه‌های مختلف است. به علاوه نشان داده شد که مفهوم مرجعیت علمی در هر دو سطح فردی و نهادی قابل بررسی است و این دو در ارتباطی نظام‌مند می‌توانند به تسهیل مرجعیت در علم بینجامند. همچنین مرجعیت علمی در شبکه همکاری و در پاسخ به نیازهای جامعه تثبیت خواهد شد.

بختیاری و همکاران (۱۴۰۰) در مطالعه خود به طراحی مدل ساختاری - تفسیری مؤلفه‌های مؤثر بر مرجعیت علمی دانشگاه پرداخته‌اند. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها حاکی از استقلال و زیربنایی بودن مؤلفه مأموریت‌گرایی دانشگاه است که این مؤلفه در دانشگاه امام صادق (ع) از وجوه ممیزه اصلی آن است. سایر مؤلفه‌ها و روابط بین آنها نیز در بخشها و لایه‌های سطح‌بندی شده مدل ارائه شده قرار گرفته‌اند که می‌تواند در مسیر مرجعیت علمی دانشگاه مورد توجه قرار گیرد.

مهدی‌نژاد نوری و همکاران (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای به تدوین چارچوب معماری علم، فناوری و نوآوری به منظور دستیابی به مرجعیت علمی پرداخته‌اند و ضمن ارائه یک چارچوب معماری مبتنی بر تصویر مطلوب ممکن، مبانی ارزشی و ارکان جهت‌ساز؛ نقشها، ویژگی‌ها، ساختار و روابط میان اجزا و ساختار نفع (نوآوری، فناوری و علم) را به عنوان دیدگاه‌های چارچوب معماری معرفی کرده‌اند. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که تصویرپردازی، مهم‌ترین مقوله در چارچوب معماری نفع است؛ تصویری که در آن، تأثیر آرمانهای مرجعیت علمی بر جامعه و زیست‌بوم ایران مشاهده می‌شود. تحول بنیادین علمی در چارچوب جهان‌بینی اسلامی به نفع کشور ایجاد شده است که اقتدار جهانی، الهام‌بخشی و امنیت ملی ایران به واسطه قدرت علمی، در بالاترین حد خود به وجود خواهد آمد.

سعدآبادی و همکاران (۱۳۹۹) مطالعه‌ای را با عنوان «کاربست نوآوری اجتماعی برای افزایش مشارکت اجتماعی جهت نیل به مرجعیت علمی» انجام داده‌اند. ۴۰ مؤلفه در قالب پنج بُعد ناظر بر مفهوم مرجعیت علمی و ۵۹ مؤلفه در قالب چهار بُعد ناظر بر مفهوم مشارکت اجتماعی، شناسایی و متناسب با آنها، ۱۰ راهکار مبتنی بر نوآوری اجتماعی ارائه شد. نتیجه‌گیری کلی این تحقیق حاکی از این بوده است که کاربرست نوآوری اجتماعی به عنوان مجموعه فعالیتها و خدمات نوآورانه با انگیزه برآورده کردن یک نیاز اجتماعی که همانا بالا بردن سطح مشارکت اجتماعی برای دستیابی به مرجعیت علمی است، به نهادهای کلان کشور کمک خواهد کرد.

کوشازاده و همکاران (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای به شناسایی، طبقه‌بندی و اولویت‌گذاری عوامل موثر بر مرجعیت علمی دانشگاه پرداخته‌اند. در این مطالعه، عوامل مؤثر بر مرجعیت علمی دانشگاه ابتدا در قالب ۹۰۲ مضمون اولیه شناسایی شده و در نهایت پس از غربالگری و طبقه‌بندی، در قالب ۴۵ زیرعامل، شناسایی و به ترتیب اهمیت مدّ نظر خبرگان، رتبه‌بندی شدند. تربیت و توانمندسازی سرمایه‌انسانی خودباور و کارآفرین در رتبه‌اول اهمیت، وجود شبکه علمی هم‌افزای ملی و فراملی در اولویت دوم و هرم مناسب اعضای هیئت علمی با جذب نیروهای کیفی تخصصی در رتبه سوم اهمیت در مجموعه عوامل مؤثر بر مرجعیت علمی دانشگاه قرار گرفت.

طاهری (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای به بررسی تحقق مرجعیت علمی با رویکردی کلیدی برای خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی پرداخته است و در نهایت به این نتیجه دست یافته که چرخه ساختار وجودی انسان به بررسی ادراکات (حس، خیال، وهم و عقل) و عمل انسان می‌پردازد. علم به دست آمده می‌تواند انسان را به سمت رشد یا سقوط (غی) سوق دهد. تفکر، ابزار اصلی پژوهشها و کشفیات و اختراعات و ... است که اگر در پرتو ایمان قرار گیرد و بر پایه فحوای دین مبین اسلام و اصول فطرت‌مان باشد، آن‌وقت علم و دانش محصول شده، به سمت رشد خواهد بود و این علم که نتیجه خودسازی عالمان بوده است، به عملهایی بر پایه ساختار وجودی انسان تبدیل خواهد شد که جامعه‌پرداز است و در شکل‌گیری تمدن اسلامی حایز اهمیت خواهد بود.

تابان و همکاران (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای با عنوان «طراحی و تبیین الگوی مرجعیت علمی در آموزش عالی ایران، بر اساس زندگینامه اندیشمندان کشور با رویکرد تحلیل مضمون»، به این نتیجه دست یافته‌اند که؛ نظر به نقش مرجعیت علمی در افزایش توان رقابتی کشور و همچنین جایگاه آن در اسناد بالادستی، ضرورت دارد با انجام برنامه‌های عملیاتی مناسب برای توجیه و آگاه‌سازی مدیران علمی کشور و به تبع آن، همه دانش‌پژوهان شایسته، از طریق برگزاری سمینارها و مجلات و انجمنهای علمی و صداوسیما، اقدامات کافی به عمل آید.

ایکسترام (۲۰۲۳) در مطالعه خود پیرامون مرجعیت علمی و عملکرد دانشگاهها بیان کرده است که مرجعیت علمی در آموزش عالی، موجب ساختاردهی و ایجاد مسیرهای انگیزشی خواهد شد و مرجعیت علمی به عنوان یکی از شاخصهای کلیدی نوآوری در آموزش عالی محسوب می‌شود. مالتاس و همکاران (۲۰۲۲) در مطالعه خود بیان کرده‌اند که فرهنگ‌سازی و

ارزش‌آفرینی، دو محور کلیدی در مرجعیت علمی اساتید دانشگاهی محسوب می‌شوند. الیتا و همکاران (۲۰۱۹) در مطالعه پیرامون مرجعیت علمی در سیستم‌های آموزشی بیان کرده‌اند که خودباوری و کارآفرینی، تداوم تلاش و امکان‌پذیری، فرهنگ‌محوری و پایداری فرهنگی، از جمله مهم‌ترین شاخصهای مرجعیت علمی در سیستم‌های آموزشی محسوب می‌شوند. فریگریو و همکاران (۲۰۲۱) در مطالعه خود پیرامون مرجعیت علمی و آموزش عالی نشان داده‌اند که اخلاق‌گرایی، سلامت روحی و روانی، مهارت، نگرش، انگیزش درونی و خلاقیت فردی، شاخصهای محوری در مرجعیت علمی محسوب می‌شوند. بالاز و همکاران (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای بیان داشته‌اند که انگیزش و پاداش، حاکمیت مؤلفه‌های شایسته‌سالاری و مسیر شغلی مشخص و شفاف، از مهم‌ترین عوامل انگیزشی مرجعیت علمی محسوب می‌شوند.

تحقیقات گذشته در حوزه مرجعیت علمی اساتید دانشگاهی، به تنوع و گوناگونی رویکردها و نتایج اشاره دارد. برخی از تحقیقات، مرجعیت علمی را به عنوان اعتبار و شناخت علمی اساتید در حوزه‌های خاص تعریف کرده‌اند؛ در حالی که دیگران به جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی آن نیز پرداخته‌اند. این تنوع در تعریف ممکن است منجر به سردرگمی در نتایج و استنباط‌ها شود. برخی تحقیقات به شناسایی عوامل مؤثر بر مرجعیت علمی پرداخته‌اند؛ از جمله: کیفیت تدریس، فعالیتهای پژوهشی، ارتباط با جامعه و دانشجویان و مهارتهای ارتباطی. مقایسه این عوامل نشان می‌دهد که برخی از تحقیقات بر جنبه‌های خاصی تمرکز کرده‌اند و ممکن است سایر عوامل مهم را نادیده گرفته باشند. برخی از تحقیقات نیز به بررسی مرجعیت علمی در رشته‌های خاص یا در یک عنوان خاص پرداخته‌اند؛ در حالی که تحقیقات کمتری به بررسی این موضوع در سطح کلی و عمومی یا در رشته‌های مختلف پرداخته‌اند. این موضوع می‌تواند به عدم تعمیم‌پذیری نتایج منجر شود.

تحقیق حاضر ضمن مطالعه و نقد مطالعات پیشین، از چند جنبه دارای اهمیت است؛ دانشگاهها با درک بهتر از عوامل مؤثر بر مرجعیت علمی، می‌توانند برنامه‌های آموزشی و تربیتی مؤثرتری را برای نسل جدید اساتید طراحی کنند. این امر می‌تواند به تربیت اساتید با کیفیت بالاتر و تأثیرگذارتر منجر شود. نتایج این تحقیق می‌تواند به تصمیم‌گیران و سیاستگذاران آموزشی کمک کند تا برنامه‌ها و سیاستهای بهتری برای ارتقای کیفیت آموزش و پژوهش در دانشگاهها تدوین کنند.

ب) روش‌شناسی تحقیق

هدف پژوهش حاضر، ارائه الگوی شایستگی‌های فردی مرجعیت علمی در اساتید دانشگاهی است و برای تدوین الگوی شایستگی‌های فردی مرجعیت علمی در اساتید دانشگاهی، پژوهشگر نیازمند بررسی و مطالعه مؤلفه‌ها، متغیرها و شاخصهای مرتبط با استفاده از روش کیفی است؛ لذا در این پژوهش از راهبرد پژوهش کیفی استفاده شد. در بین روشهای کیفی، در این پژوهش از روش تحلیل تم استفاده شده است. پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی است. فلسفه پژوهش حاضر از نوع تفسیری است که با رویکرد استقرایی انجام شده است. راهبرد پژوهش از نوع تحلیل تم و افق زمانی پژوهش نیز از نوع تک‌مقطعی می‌باشد. روش و ابزار جمع‌آوری داده‌ها نیز مصاحبه نیمه‌ساختاریافته است. قلمرو مکانی تحقیق حاضر به صورت کلی، آموزش عالی و به صورت خاص، اساتید دانشگاهی می‌باشد. لذا جامعه آماری این تحقیق نیز شامل خبرگان و متخصصان آشنا با موضوع تحقیق می‌باشند که شامل اساتید برجسته دانشگاهی و محققانی که با موضوع تحقیق آشنایی دارند، می‌باشد. از آنجا که خبرگان و صاحب‌نظران مسلط در حوزه مرجعیت علمی، به راحتی قابل شناسایی نیستند؛ از روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله‌برفی استفاده شد. ابتدا تمرکز روی افرادی بود که آگاهی بیشتری نسبت به موضوع پژوهش داشتند. علاوه بر این روش و در ادامه، از افراد مورد مصاحبه خواسته شد تا خبره‌های دیگری را که در این زمینه صاحب‌نظر می‌دانند، معرفی کنند که اشاره به نمونه‌گیری گلوله‌برفی در پژوهشهای کیفی دارد. در این روش پس از شناسایی یا انتخاب اولین خبره و صاحب‌نظر، از وی برای شناسایی و انتخاب دومین واحد نمونه‌گیری استفاده می‌شود و به همین ترتیب، واحدهای دیگر نمونه، شناسایی و انتخاب می‌شوند. نمونه‌گیری تا لحظه رسیدن به اشباع نظری انجام شد که در نهایت، تعداد ۱۴ نفر مشارکت کردند. برای اطمینان بیشتر نیز دو مصاحبه اضافه انجام شد که هیچ‌کدام جدیدی از آنها به دست نیامد. ملاک انتخاب افراد برای نمونه تحقیق، عملکرد مناسب آنان در حوزه‌های آموزشی و پژوهشی، از جمله: داشتن اچ. اندیکس بالا، سرآمد علمی و میزان بالای استناد به آنها، داشتن جوایز و افتخارات علمی و مشارکت در طرحها و پروژه‌ها بود.

جدول ۱: مشخصات نمونه تحقیق

جنسیت	زن	۱۱ درصد	مرتبه علمی	دانشیار	۳۲ درصد
	مرد	۸۹ درصد		استاد تمام	۶۸ درصد

الگوی شایستگی‌های فردی مرجعیت علمی در اساتید ... ۱۷

سن	کمتر از ۴۰ سال	۱۵ درصد	اچ اندیکس	۲۰ و پایین تر	۱۴ درصد
	۴۰ تا ۵۰ سال	۶۴ درصد		بالاتر از ۲۰	۸۶ درصد
	بالاتر از ۵۰ سال	۲۱ درصد			
سابقه فعالیت	کمتر از ۱۰ سال	۱۲ درصد	سابقه داشتن ارتباطات بین‌المللی	۱۰ سال و کمتر	۲۶ درصد
	۱۰ تا ۲۰ سال	۵۵ درصد		بالاتر از ۱۰ سال	۷۴ درصد
	بالاتر از ۲۰ سال	۳۳ درصد			

ابزار اصلی تحقیق حاضر، مصاحبه نیمه ساختاریافته با گروه خبرگان بود. برای بررسی روایی ابزار، از سه سویه‌سازی (مثلث‌سازی) استفاده شده است. برای این کار، از سه منبع اصلی؛ یعنی ادبیات تحقیق، اعضای هیئت علمی و محققان حیطه مرجعیت علمی، برای گردآوری داده‌ها استفاده شد تا اطلاعات همه‌جانبه‌تری از منابع مختلف درگیر با موضوع به دست بیاورد. این کار باعث شد تا داده‌ها از دیدگاه‌های مختلفی گردآوری شوند و وسعت و عمق داده‌ها بهبود یابد. این امر نشان داد که مثلث‌سازی به شکل مناسبی صورت گرفته و پدیده از زاویه منابع مختلف و متنوعی بررسی شده است.

فرایند کنترل کیفیت با مراجعه مجدد به مصاحبه‌شوندگان، به دنبال تأیید یافته‌های به دست آمده یا بررسی مجدد آن است. برای این کار، محقق پس از تحلیل داده‌ها، آنها را خلاصه کرده و به تعدادی از مصاحبه‌شوندگان ارائه کرد تا یافته را بررسی کنند. به صورت روشن‌تر؛ در این مرحله به دنبال این بودیم که ببینیم آیا برداشت درستی از اظهار نظرهای مصاحبه‌شوندگان داشته‌ایم یا خیر. علاوه بر این، میزان تناسب یافته با منظور واقعی مصاحبه‌شوندگان و منطقی بودن یافته‌ها نیز بررسی و از آنان خواسته شد در صورتی که برداشت محقق با منظور واقعی آنان تناقض داشته، بیان کنند و آنها را برای اصلاح مشخص سازند. در این مرحله، بخشی از یافته‌های مزبور، تجدید نظر شد. با اصلاح موارد ذکر شده از سوی مصاحبه‌شوندگان، نظر نهایی آنان مبنی بر تناسب یافته‌ها با نظراتشان، منطقی بودن یافته‌ها حاصل شد که خود نشان‌دهنده روایی قابل قبول یافته‌های پژوهش حاضر است.

برای بررسی پایایی ابزار تحقیق نیز از تعریف اصطلاحات و وضعیت ظاهری و درونی پرسشها استفاده شده است. یکی از عواملی که ممکن است پایایی ابزار سنجش را به خطر اندازد، تعریف نشدن اصطلاحات است. در این تحقیق تلاش شد تا آنجا که به معنای واژه لطمه وارد نشود، اصطلاحات به صورت قابل فهم و ساده بیان شوند. بر همین مبنا، سؤالات بارها بازبینی و به این سؤال پاسخ داده شد که آیا پاسخگو از این سؤال، واژه و اصطلاح، همان درک و برداشت محقق را خواهد داشت یا خیر. پرسشنامه‌های حاوی سؤالات واضح و زیبا و جذاب می‌توانند برای پاسخ‌دهندگان شوق‌انگیز باشند؛ به همین شب تلاش شد تا وضعیت ظاهری و درونی سؤالات به گونه‌ای باشد تا در پاسخ‌دهنده ایجاد انگیزه کند.

برای تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از مصاحبه خبرگان، از تکنیک تحلیل تم مدل براون و کلارک (۲۰۰۶) استفاده شده است. مراحل شش‌گانه تحلیل تم به شرح ذیل است:

مرحله اول: آشنایی با داده‌ها؛ برای آشنایی محقق با عمق و گستره محتوایی داده‌ها، لازم است که خود را در آنها تا اندازه‌ای در آنها غوطه‌ور سازد. غوطه‌ور شدن در داده‌ها معمولاً شامل بازخوانی مکرر داده‌ها و خواندن داده‌ها به صورت فعال (یعنی جستجوی معانی و الگوها) است. در این پژوهش، محقق قبل از اینکه کدگذاری داده‌ها را شروع کند، یک بار کل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها را خوانده است. در واقع؛ از آغاز همین مرحله، یادداشت‌برداری و علامت‌گذاری معانی که در مراحل بعدی به آنها نیاز پیدا خواهد شد، شروع می‌شود.

مرحله دوم: ایجاد کدهای اولیه؛ مرحله دوم زمانی شروع می‌شود که محقق، داده‌ها را خوانده و با آنها آشنایی پیدا کرده است. این مرحله شامل ایجاد کدهای اولیه از داده‌هاست. کدگذاری تا حدودی به این بستگی خواهد داشت که تم‌ها بیشتر داده‌محورند یا نظریه‌محور! در تحقیق حاضر، تمرکز بر نظریه بود تا داده‌ها. بنابر این، در مرحله دوم داده‌هایی کدگذاری می‌شوند که از دیدگاه نظری با نقاط مورد توجه تحقیق؛ یعنی مرجعیت علمی استادان دانشگاهی در سطوح مختلف تجزیه و تحلیل، همخوانی دارند. همچنین کدگذاری به این امر بستگی خواهد داشت که آیا هدف شما این است که محتوای کل مجموعه داده‌ها را کدگذاری کنید یا اینکه ویژگی‌های خاصی از مجموعه داده‌ها را مد نظر قرار دهید.

مرحله سوم: جستجوی تم‌ها؛ این مرحله شامل دسته‌بندی کدهای مختلف در قالب تم‌های بالقوه و مرتب کردن همه خلاصه داده‌های کدگذاری شده در قالب تم‌های

مشخص شده است. در این مرحله، برخی از کدهای اولیه، تم‌های اصلی را شکل می‌دهند؛ در حالی که برخی دیگر تم‌های فرعی را شکل داده و مابقی نیز حذف می‌شوند.

مرحله چهارم: بازبینی تم‌ها؛ این مرحله زمانی شروع می‌شود که محقق مجموعه‌ای از تم‌ها را ایجاد کرده و آنها را مورد بازبینی قرار می‌دهد. این مرحله شامل دو بخش بازبینی و تصفیۀ تم‌هاست. بخش اول شامل بازبینی در سطح خلاصه‌های کدگذاری شده است. در بخش دوم، اعتبار تم‌ها در رابطه با مجموعه داده‌ها در نظر گرفته می‌شود. اگر نقشۀ تم به خوبی کار کند، آنگاه می‌توان به مرحله بعدی رفت؛ اما چنانچه نقشه به خوبی با مجموعه داده‌ها همخوانی نداشته باشد، محقق باید برگردد و کدگذاری خود را تا زمان ایجاد یک نقشۀ تم رضایت‌بخش، ادامه دهد.

مرحله پنجم: تعریف و نامگذاری تم‌ها؛ این مرحله زمانی شروع می‌شود که یک نقشۀ رضایت‌بخش از تم‌ها وجود داشته باشد. محقق در این مرحله، تم‌هایی را که برای تحلیل ارائه کرده، تعریف و مجدداً بازبینی می‌کند؛ سپس داده‌های داخل آنها را تحلیل می‌کند.

مرحله ششم: تهیه گزارش؛ مرحله پایانی زمانی شروع می‌شود که محقق، مجموعه‌ای از تم‌های کاملاً آبدیده را در اختیار داشته باشد. این مرحله شامل تحلیل پایانی و نگارش گزارش است.

ج) یافته‌های تحقیق

پس از مطالعه و بررسی نظرات مصاحبه‌شونده‌ها و تحلیل کیفی مصاحبه‌ها، در راستای خلق معنی از جداول مصاحبه‌های به دست آمده، جدول تم‌های فرعی به صورت یکپارچه در یک جدول تجمیع شد و بعد از منظم کردن آنها طبق کد، به جملات مربوط به یک کد، طبق مفهوم آنها عنوانی اختصاص یافت. در این پژوهش برای نامگذاری هر یک از تم‌های استخراج شده، تلاش شده طبق مفهوم آنها استفاده شود و تم اصلی را در شایستگی‌های فردی مرجعیت علمی اساتید دانشگاهی مشخص کند. در جدول ۲، بخشی از یکی از مصاحبه‌ها ارائه شده است.

جدول ۲: نمونه‌ای از پیاده‌سازی مصاحبه‌های انجام شده

متن مصاحبه	کدهای استخراجی
اعتقاد و باور قلبی اینجانب این است که یک اساتید مرجع با نشان دادن تفکر نوآورانه و خلاق در تحقیقات و تدریس و	-تقویت تفکر نوآورانه در دانشجویان -ایجاد انگیزه و انگیزش

انتقال آن به دانشجویان خود، می‌توانند به عنوان الگوهایی برای دانشجویان عمل کنند. مشاهده رفتارهای نوآورانه آنان، دانشجویان را ترغیب می‌کند تا از همین الگوها پیروی کنند. فردی که بتواند ضمن ایجاد انگیزه و انگیزش در دانشجویان، راهبردهای آموزشی متنوعی را مثل ایجاد فضای پرسشگری و مشارکت ارائه دهد قابل الگوبرداری است. مسئولیت‌پذیری و اخلاق‌مداری یک استاد دانشگاه همواره مورد توجه قرار می‌گیرد.	-ارائه راهبردهای آموزشی متنوع -ایجاد فضای پرسشگری و مشارکت -مسئولیت‌پذیری -اخلاق‌مداری
--	--

پس از استخراج کدهای اولیه (مضامین پایه) و در مراحل بعدی، مضامین سازمان‌دهنده و سپس مضامین فراگیر شناسایی شدند. مراحل کامل دسته‌بندی مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر در جدول ۳ گزارش شده است.

جدول ۳: دسته‌بندی مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر

مضامین پایه	فراوانی	مصاحبه شونده	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
تقویت تفکر نوآورانه در دانشجویان	۱۲	P1-p2-p3-p5-p6-p7-p8-p10-p11-p12-p13-p14	الهام‌بخش بودن	خلق و خوی سازمانی سازنده
بحث و تبادل نظر با دانشجویان	۱۰	p2-p3-p4-p5-p7-p8-p9-p10-p13-p14		
راهبردهای آموزش متنوع	۱۳	P1-p2-p3-p4-p5-p6-p7-p9-p10-p11-p12-p13-p14		
تعهد و اخلاص	۱۱	P1-p3-p4-p5-p6-p8-p9-p10-p11-p12-p13		
عدالت و انصاف	۱۱	p3-p4-p5-p6-p7-p8-p9-p10-p11-p12-p14		
انگیزه و انگیزش	۱۳	P1-p2-p3-p4-p6-p7-p8-p9-p10-p11-p12-p13-p14	مثبت‌اندیشی و امیدبخشی	
انعطاف‌پذیری	۱۲	P1-p2-p4-p5-p6-p7-p8-p9-p11-p12-p13-p14		

		P1-p2-p3-p5-p6-p7-p10-p11-p12-p14	۱۰	ارتباطات مؤثر
		P1-p2-p3-p4-p5-p6-p7-p8-p9-p10-p11-p12-p13	۱۳	انتقال تجربه موفقیت
		P1-p3-p4-p5-p6-p7-p8-p10-p11-p12-p13-p14	۱۲	بهبود روحیه در دانشجویان
		P1-p2-p3-p4-p5-p8-p9-p10-p12	۹	تأکید بر حل مشکلات
	حُسن اخلاق و پشتکار	P1-p2-p3-p4-p5-p6-p7-p8-p9-p10-p11-p12-p13-p14	۱۴	اخلاق‌مداری
		P1-p2-p4-p5-p6-p7-p8-p9-p10-p11-p12-p13-p14	۱۲	احترام و تعامل متقابل
		p2-p3-p4-p8-p9-p10-p11-p12-p13-p14	۱۱	صبر و تحمل
		P1-p2-p3-p4-p5-p6-p7-p8-p9-p10-p11-p12-p13-p14	۱۴	مسئولیت‌پذیری
	صلاحیت حرفه‌ای	p2-p3-p4-p5-p6-p7-p8-p11	۸	دانش راهبردی
		P1-p2-p3-p4-p5-p6-p7-p8-p9-p10-p11-p12-p14	۱۳	تجارب علمی و پژوهشی
		P1-p2-p3-p4-p5-p6-p7-p8-p9-p10-p11-p12-p13-p14	۱۴	مقالات و کتب معتبر
		P1-p2-p3-p4-p5-p6-p7-p8-p9-p10-p11-p12-p13-p14	۱۴	تدریس کارآمد و بهینه
		P1-p3-p4-p5-p6-p7-p8-p9-p10-p11-p12-p13-p14	۱۳	تجربه آموزشی

۲۲ ♦ فصلنامه علمی مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، شماره ۱۰۲

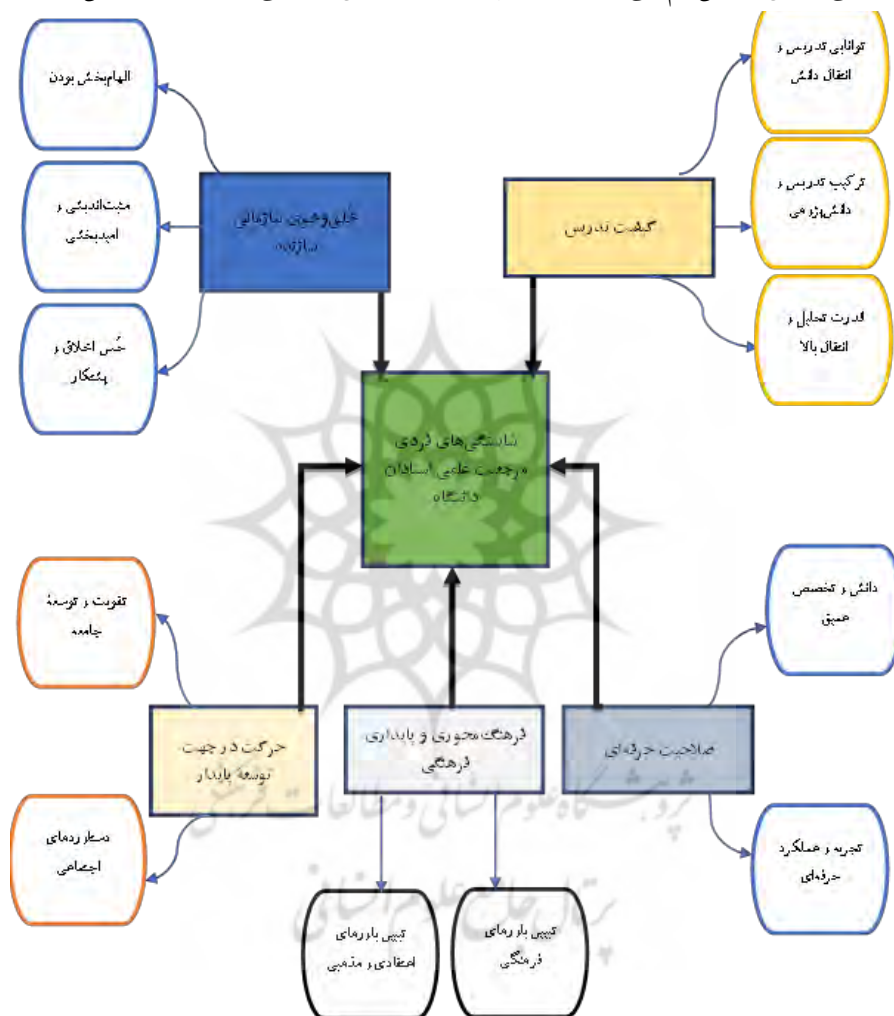
		P1-p2-p3-p4-p5-p6-p7-p8-p9-p10-p11-p12-p13-p14	۱۴	تجربه پژوهشی
		P1-p2-p3-p4-p5-p7-p8-p10-p11-p12-p13-p14	۱۲	تغییر سبک تدریس متناسب با نیاز دانشجویان
کیفیت تدریس	توانایی تدریس و انتقال دانش	p4-p5-p6-p7-p8-p9-p10-p11-p12-p13-p14	۱۱	توانایی توضیح مفاهیم به طور قابل فهم
		P1-p2-p3-p4-p5-p6-p7-p9-p10-p11-p12-p13-p14	۱۳	ایجاد انگیزه برای یادگیری
		P1-p2-p3-p4-p5-p6-p7-p8-p9-p10-p11-p12-p14	۱۳	استفاده از روشهای تدریس متنوع و مؤثر
		P1-p2-p3-p4-p5-p7-p8-p9-p10-p11-p12-p13	۱۲	ایجاد ارتباط مؤثر با دانشجویان
	توانایی ترکیب تدریس و دانش پژوهی	P1-p2-p3-p6-p7-p8-p9-p10-p11-p13-p14	۱۱	به روز بودن با آخرین تحولات و پیشرفتهای
		P1-p2-p4-p5-p6-p7-p8-p9-p11-p12-p13-p14	۱۲	انتشار نتایج پژوهشی و در دسترس بودن
		P1-p3-p4-p5-p6-p7-p8-p9-p10-p12-p13-p14	۱۲	راهنمایی دانشجویان در پروژه‌های تحقیقاتی
	قدرت تحلیل و انتقال بالا	P1-p2-p3-p4-p5-p6-p7-p9-p10-p11-p12-p13-p14	۱۳	تحلیل و انعطاف پذیری
		P1-p2-p3-p4-p5-p8-p9-p10-p11-p12	۱۰	تأمل و انتقاد سازنده
		p2-p3-p4-p5-p7-p8-p9-p10-p11-p12-p14	۱۱	داشتن نگاه گسترده به مسائل
فرهنگ محوری و پایداری فرهنگی		P1-p2-p3-p4-p5-p6-p7-p8-p10-p14	۱۰	تعلیم و تربیت با رویکرد اسلامی

الگوی شایستگی‌های فردی مرجعیت علمی در اساتید ... ♦ ۲۳

	توان تبیین باورهای اعتقادی و مذهبی	P1-p2-p5-p6- p7-p8-p9-p10- p11-p13-p14	۱۱	داشتن منش و رفتار متعالی (اخلاق‌مداری)
		p2-p3-p4-p5- p6-p7-p8-p9- p10-p11	۱۰	دین‌باور
	تبیین باورهای فرهنگی	P1-p2-p3-p4- p7-p8-p9-p11- p13-p14	۱۰	باور به ترویج فرهنگ و هنر ایرانی - اسلامی
		P1-p2-p3-p5- p6-p7-p9-p10- p11-p12-p14	۱۱	تعامل با دانشجو و رفتار اخلاقی با آنان
		p2-p3-p4-p7- p8-p9-p10- p11-p12-p13- p14	۱۱	عملکرد فرهنگی
		p2-p3-p4-p5- p6-p7-p10- p11-p12-p13	۱۰	تحقیقات و پژوهشهای فرهنگی
حرکت در جهت توسعه پایدار	تقویت و توسعه جامعه	P1-p2-p3-p4- p5-p8-p9-p10- p11-p12-p13- p14	۱۲	اثربخش در کلان جامعه
		P1-p2-p4-p5- p6-p7-p9-p11- p14	۹	کمک به حل مسائل اجتماعی
		p2-p3-p4-p5- p6-p7-p10 - p12-p13-p14	۱۰	ارائه ایده‌ها و نظریه‌های کاربردی برای حل مشکلات جامعه
		P1-p2-p3-p4- p6-p7-p8-p10- p11-p12-p13- p14	۱۲	ارتباط و تعامل سازنده فراسازمانی
	دستاوردهای اجتماعی	P1-p3-p4-p5- p6-p7-p8-p9- p10-p11-p13- p14	۱۲	داشتن رویکرد کارافرینانه
		P1-p2-p3-p4- p5-p6-p7-p8- p10-p11-p12-	۱۱	توسعه ایده‌های نوین
		P1-p2-p4-p5- p6-p9-p10- p12-p13-p14	۱۰	مشارکت در حل مسائل فرهنگی

با توجه به انجام مراحل روش تحلیل تم و شناسایی مضامین فراگیر و سازمان‌دهنده، در نهایت پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌های انجام‌شده و حذف موارد تکراری و مواردی که

همپوشانی معنایی داشتند، در مجموع ۴۶ مضمون پایه شناسایی شد که در قالب ۱۲ مضمون سازمان‌دهنده و سپس در قالب پنج مضمون فراگیر دسته‌بندی شدند. مدل مفهومی تحقیق که خروجی بخش تحلیل تم می‌باشد، در قالب شبکه مضامین طراحی شده است. (شکل ۱)



شکل ۱: مدل مفهومی پیشنهادی تحقیق (شایستگی‌های فردی مرجعیت علمی استادان دانشگاه)

د) بحث و نتیجه‌گیری

مرجعیت علمی، رویکرد و ابزاری مهم در پیشبرد اهداف عالی‌ مشخص شده در بیانیه گام دوم محسوب می‌شود. این مهم می‌تواند به خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی کمک بزرگی کند. مرجعیت علمی در نظام آموزش عالی کشور، نگاه محوری و موضوع اصلی پژوهش محسوب می‌شود. تحقق راهبردی آن هم در افق ملی و در سطح آموزش عالی کشور، حاصل مجموعه‌ای از تصمیمات راهبردی و بلندمدت در راستای سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور است. به دیگر سخن؛ موضوع مرجعیت علمی دارای ماهیت راهبردی، شایسته‌محور و فرایندی است. در ضمن، با توجه به اینکه موضوع توسعه مرجعیت علمی یکی از مباحث توسعه منابع انسانی محسوب می‌شود؛ بنابر این، تلاش در جهت تحقق این هدف، نیاز به مدیریت و برنامه‌ریزی راهبردی دارد. شناسایی شایستگی‌های مرجعیت علمی موجب تسریع روند دستیابی به این پدیده مهم می‌شود. شایستگی‌های فردی مرجعیت علمی از اهمیت بالایی برخوردارند.

هدف اصلی این تحقیق، شناسایی شایستگی‌های فردی مرجعیت علمی استادان دانشگاه است که با رویکرد کیفی انجام شده است. پس از انجام مصاحبه با خبرگان و پیاده‌سازی مصاحبه‌های انجام‌شده، ۴۶ مضمون پایه شناسایی شده در قالب ۱۲ مضمون سازمان‌دهنده و پنج مضمون فراگیر دسته‌بندی شدند. به عبارتی؛ شایستگی‌های فردی مرجعیت علمی استادان دانشگاه عبارتند از: خلق و خوی سازمانی سازنده، کیفیت تدریس، صلاحیت حرفه‌ای، فرهنگ محوری و پایداری فرهنگی و حرکت در جهت توسعه پایدار.

یکی از عوامل اصلی شناسایی شده در تحقیق حاضر، خلق و خوی سازمانی سازنده با شاخصهای الهام‌بخش بودن، مثبت‌اندیشی، امیدبخشی، حسن اخلاق و پشتکار می‌باشد. به عبارتی؛ خلق و خوی سازنده یک استاد، برای تبدیل شدن به مرجعیت علمی مهم است و تأثیر مستقیم بر موفقیت وی دارد. این اساتید معمولاً همکاری و انگیزه بالایی را ترویج می‌دهند و با پشتکار و جدیت، همواره به دنبال ارائه بهترین عملکرد می‌باشند. اساتیدی که توانایی الهام‌بخشی به دانشجویان خود را دارند، می‌توانند با الگوبرداری و پرورش دانشجویان پرتوان و کارآمد، موفقیت و مرجعیت علمی بیشتری کسب کنند. همچنین اساتیدی که از اصول اخلاقی و ارزشهای مثبت در تدریس و فعالیتهای پژوهشی خود پیروی می‌کنند، معمولاً اعتبار و مرجعیت بیشتری را در جامعه به دست می‌آورند. تابان و همکاران (۱۳۹۵) در مطالعه خود بیان کرده‌اند که مثبت‌اندیشی و اصول اخلاقی، از ویژگی‌های فردی مرجعیت علمی به

حساب می‌آیند و افراد مرجع از این ویژگی‌ها در راستای بهبود عملکرد خود استفاده می‌کنند. پیشنهاد می‌شود دانشگاه‌ها جلسات و کارگاههایی با حضور اساتید برجسته و الهام‌بخش برگزار کنند و اساتید نیز سخرانی‌های انگیزشی ارائه دهند. همچنین به اساتید پیشنهاد می‌شود در برنامه‌های اجتماعی و فرهنگی مشارکت داشته باشند تا به عنوان افرادی مؤثر و الهام‌بخش شناخته شوند. پیشنهاد می‌شود اساتید دانشگاه تلاش کنند تا محیطی در بحث آموزش و پژوهش ایجاد کنند که در آن اشتباهات به عنوان فرصتی برای یادگیری تلقی شوند و اعضای هیئت علمی و دانشجویان به تعاملات مثبت تشویق شوند. پیشنهاد می‌شود اساتید دانشگاهی اخلاق‌گرایی و حرفه‌ای بودن را سرلوحه رفتار خود قرار داده، با برگزاری نشست‌ها و گفتمانهایی در حوزه‌های اخلاق در آموزش و پژوهش، به تقویت ارزشهای اخلاقی بپردازند.

یکی دیگر از عوامل شناسایی شده در تحقیق حاضر، کیفیت تدریس با شاخصهای توانایی تدریس و انتقال دانش، ترکیب تدریس و دانش پژوهی، قدرت تحلیل و انتقال بالا می‌باشد. به عبارتی؛ اساتید مرجع علمی در انتقال مباحث علمی و دانش پژوهی توانایی بالایی دارند و میزان رضایتمندی از آنان در سطح بالایی قرار دارد. توانایی تدریس و انتقال دانش یک استاد می‌تواند در از ابعاد مختلف بر مرجعیت علمی استادان دانشگاه تأثیر بگذارد. زمانی که یک استاد قادر به انتقال دانش به دانشجویان است، می‌تواند اثر مستقیم بر کیفیت آموزش و پرورش داشته باشد. این می‌تواند منجر به افزایش تعداد مقالات و پژوهشهای دانشجویان و همچنین افزایش کیفیت تولیدات علمی دانشجویان شود. همچنین، توانایی تدریس خوب می‌تواند باعث افزایش شهرت استاد در داخل و خارج از دانشگاه شود و او را به منبعی معتبر از دانش و تخصص تبدیل کند. دالبی و همکاران (۲۰۲۱) در این خصوص بیان کرده‌اند که توانایی تدریس مؤثر استادان می‌تواند به افزایش مشارکت در نشریات علمی و همچنین افزایش فروش کتب و منابع آموزشی استاد کمک کند. در نتیجه، توانایی تدریس و انتقال دانش یک استاد می‌تواند به افزایش مرجعیت علمی او در دانشگاه و جامعه علمی بینجامد. برای مثال، استادی که بتواند مفاهیم پیچیده را به شیوه‌ای ساده و قابل فهم برای دانشجویان تدریس کند، ممکن است دانشجویان بیشتری را به پژوهش و تحقیق واقعی در رشته خود ترغیب کند. این می‌تواند منجر به افزایش تعداد پژوهشهای علمی و تولیدات دانشجویان و دانش‌آموختگان شود. همچنین، استادی که بتواند دانش خود را به طور فعال با دانشجویان به اشتراک بگذارد، می‌تواند روحیه همکاری و تعهد را در دانشجویان ایجاد کند و آنان را به

ادامهٔ تحصیل و پژوهش تحت رهنمود او ترغیب کند. پیشنهاد می‌شود اساتید دانشگاهی از تکنیکهای متنوع تدریس استفاده کنند و برای جلب توجه و انگیزهٔ دانشجویان، از روشهای مختلف آموزشی مانند بحث گروهی، یادگیری تجربی، پروژه‌های عملی و الگوهای یادگیری معکوس بهره ببرند. پیشنهاد می‌شود اساتید از ابزارها و فناوری‌های آموزشی، مانند ویدئوها، نرم‌افزارهای تعاملی و بسترهای برخط برای بهبود کیفیت و تسهیل فرایند یادگیری استفاده کنند. پیشنهاد می‌شود اساتید دانشگاهی از یافته‌های علمی جدید و تجربیات پژوهشی در محتوای دروس برای ایجاد ارتباط قوی‌تر بین نظریه و عمل بهره بگیرند. همچنین پیشنهاد می‌شود اساتید دانشگاهی، دانشجویان را به طرح سؤالات چالشی و تحلیلی دربارهٔ مطالب درسی به منظور تقویت مهارت‌های تحلیل و تفکر نقادانه تشویق کنند.

عامل دیگری که در این تحقیق شناسایی شده، صلاحیت حرفه‌ای با شاخصهای دانش و تخصص عمیق و تجربه و عملکرد حرفه‌ای است. صلاحیت حرفه‌ای شامل داشتن دانش و تخصص عمیق برای تدریس و انتقال دانش به دانشجویان است. تجربه نیز نشان‌دهندهٔ آن است که استاد چقدر موفق بوده و چه تجربیاتی در حوزهٔ تدریس و پژوهش دارد. استاد دارای صلاحیت حرفه‌ای و تجربه، می‌تواند اعتبار و اعتماد بیشتری را در نظر دانشجویان و همکاران خود ایجاد کند. این می‌تواند منجر به افزایش تعداد دانشجویانی که به دنبال تحصیل و پژوهش زیر نظر او می‌باشند، شود. همچنین، صلاحیت حرفه‌ای و تجربه می‌تواند منجر به افزایش تعداد مقالات و پژوهشهایی شود که توسط استاد انجام می‌شود، و به عبارتی؛ مرجعیت علمی او را افزایش دهد. الیتا و همکاران (۲۰۱۹) معتقدند استادی که دارای صلاحیت حرفه‌ای بالا و تجربهٔ فراوان در حوزهٔ خاص خود است، می‌تواند به عنوان مرجع و منبع اصلی در زمینه‌ای خاص مورد احترام دانشجویان و همکارانش قرار گیرد. این می‌تواند به ایجاد یک جامعهٔ پژوهشی فعال منجر شود که از توانایی‌ها و تجربیات او برخوردار شوند. پیشنهاد می‌شود اساتید دانشگاهی به شبکه‌سازی با دیگر اساتید حرفه‌ای بپردازند؛ در این خصوص می‌توانند با برقراری ارتباط با سایر اساتید و متخصصان در زمینه‌های مرتبط، به منظور تبادل تجربیات و یادگیری از یکدیگر، تجربه و عملکرد حرفه‌ای خود را بهبود ببخشند. پیشنهاد می‌شود اساتید دانشگاه برای توسعهٔ مهارت‌های شخصی و بین فردی خود، برنامه‌ریزی دقیقی داشته باشند؛ در این خصوص می‌توانند روی مهارت‌های برقراری ارتباط مؤثر با دانشجویان، همکاران و متخصصان به منظور تسهیل انتقال دانش و تجربه کار کنند و به صورت منظم،

عملکرد خود را ارزیابی و از دیگران (مانند دانشجویان یا همکاران) بازخورد بگیرند تا نقاط قوت و ضعف را شناسایی کنند.

دیگر عامل شناسایی شده در این تحقیق، فرهنگ محوری و پایداری فرهنگی با شاخصهای تبیین باورهای فرهنگی و تبیین باورهای اعتقادی و مذهبی است. باورهای فرهنگی و مذهبی می‌توانند تأثیر مهمی بر مرجعیت علمی یک استاد دانشگاه داشته باشند. این باورها می‌توانند به عنوان پیش فرض یا قاعده عملی برای کارها و تصمیم گیری‌ها در زندگی حرفه‌ای و شخصی‌شان تأثیر بگذارند. در این خصوص، امیرارجمندی و همکاران (۱۴۰۱) بیان کرده‌اند که باورهای فرهنگی و مذهبی ممکن است روی موضوعات مختلفی از جمله رویکردهای پژوهشی، انتخاب موضوعات پژوهشی، روشهای ارزیابی دانشجویان و حتی تدریس و روشهای آموزشی تأثیر بگذارند. این ممکن است منجر به ایجاد تفاوت در دیدگاهها و نگرشها در محیط دانشگاهی شود و در نهایت بر مرجعیت علمی استاد تأثیر بگذارد. علاوه بر این، باورهای فرهنگی و مذهبی می‌توانند به عنوان عاملی مهم در تعاملات اجتماعی و ارتباطات در دانشگاه تأثیرگذار باشند. پیشنهاد می‌شود اساتید دانشگاهی به تبیین باورهای فرهنگی بپردازند؛ در این خصوص می‌توانند سمینارها و کارگاههایی با موضوعات فرهنگی برای تبادل دیدگاهها و آموزش به دانشجویان و همکاران برگزار کنند. اساتید می‌توانند با راهاندازی پروژه‌های عملی که شامل برنامه‌های فرهنگی و مذهبی در جامعه باشد، دانشجویان را به کار عملی وادار کنند. همچنین پیشنهاد می‌شود اساتید دانشگاهی برنامه‌های تبادل فرهنگی با دیگر دانشگاهها و مؤسسات داشته باشند؛ زیرا این کار به ترویج فرهنگهای مختلف کمک می‌کند.

آخرین عامل شناسایی شده در این تحقیق، حرکت در جهت توسعه پایدار با شاخصهای تقویت و توسعه جامعه و دستاوردهای اجتماعی است. تعهد یک استاد به جامعه و مشارکت اجتماعی، می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر مرجعیت علمی او داشته باشد. این تعهد ممکن است نشان‌دهنده محورهای مختلفی از ارتباطات و اثرگذاری استاد با جوامع محلی، ملی و بین‌المللی باشد. حافظی و همکاران (۱۴۰۱) در این باره بیان کرده‌اند که تعهدات یک استاد در قبال جامعه باید مانند تعهد وی نسبت به دانشگاه و دانشجویان باشد. تعهد به جامعه می‌تواند نشان‌دهنده میزان توجه استاد به مسائل و مشکلات اجتماعی و فرهنگی داخلی یا بین‌المللی باشد. این نوع ارتباطات و مشارکتها ممکن است به استاد کمک کند تا برای موضوعات تحقیقاتی و آموزشی مرتبط با این مسائل، توانمندی و تخصص بیشتری پیدا کند و از این

طریق به افزایش مرجعیت علمی دست یابد. پیشنهاد می‌شود اساتید به سمت تحقیقات کاربردی بروند و پژوهشهایی را با هدف شناسایی نیازها و چالشهای جامعه محلی و ملی و گنجانیدن نتایج آنها در برنامه‌های آموزشی و پژوهشی انجام دهند. پیشنهاد می‌شود اساتید دانشگاهی با طراحی دوره‌های آموزشی درباره توسعه پایدار، مدیریت منابع و مسائل اجتماعی برای دانشجویان، آنان را به تفکر انتقادی درباره چالشهای اجتماعی و محیطی وادار کنند. پیشنهاد می‌شود اساتید دانشگاهی نگاه ویژه‌ای به بخش همکاری صنعت و دانشگاه داشته باشند و با ایجاد روابط نزدیک با صنایع، برای رسیدن به راه‌حلهای عملی و پیاده‌سازی نتایج تحقیقات در دنیای واقعی، گامی مهم و ارزشمند بردارند.

با توجه به اهمیت و جایگاه مرجعیت علمی در اسناد بالادستی، به خصوص نقشه جامع علمی کشور، ضرورت دارد مجموعه نظام آموزشی عالی کشور، به ویژه دانشگاه، به عنوان یکی از چشم‌اندازهای مطلوب و مزیت‌آفرین در برنامه‌ریزی راهبردی خود، توجه جدی به آن داشته باشد. نظام علمی کشور، شامل شورای انقلاب فرهنگی، آموزش عالی و سایر زیرمجموعه‌های آن، با انجام مطالعه و بررسی لازم پیرامون مرجعیت علمی، این موضوع را با تدوین قوانین و مقررات، به عنوان یک جایگاه شغلی و علمی در نظر بگیرند. در این خصوص می‌بایست سیاست‌گذاران بر تدوین برنامه جامع و راهبردی نظام مرجعیت علمی و تسهیل و کمک به تعاملات علمی در حوزه‌های ملی و فراملی به منظور تحقق آن تمرکز کنند. همچنین با تدوین شاخصهای مربوط به نظام مرجعیت علمی و بازنگری در نظام جذب و نگهداشت دانش‌پژوهان شایسته مبتنی بر شایسته‌سالاری، گامی مهم در ایجاد مسیر مرجعیت علمی بردارند. به محققان آینده پیشنهاد می‌شود با استفاده از روش‌شناسی کیو، الگوهای ذهنی اساتید دانشگاهی را نسبت به مرجعیت علمی استخراج کنند. همچنین پیشنهاد می‌شود با استفاده از مدلسازی ساختاری-تفسیری (ism)، شایستگی‌های فردی مرجعیت علمی اساتید دانشگاهی را سطح‌بندی کنند.

منابع

- امیرارجمندی، سیده زهرا؛ مهرداد نوابخش و باقر ساروخانی (۱۴۰۱). «مرجعیت علمی و ارزشهای بوم‌محور در نقشه جامع علمی کشور». مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۳(۳): ۳۳-۶۴. <http://qaiie.ir/article-1-988-fa.html>
- بختیاری، حسین؛ جعفر جعفری، محمدباقر ملاصادقی و حسین عباسی (۱۴۰۰). «طراحی مدل ساختاری- تفسیری مؤلفه‌های مؤثر بر مرجعیت علمی دانشگاه (مورد مطالعه: دانشگاه امام صادق)». اندیشه‌های مدیریت راهبردی، ۱۵(۲): ۸۴-۴۵. 10.30497/smt.2022.241980.3314
- تابان، محمد؛ علی یاسینی، اردشیر شیری و اسفندیار محمدی (۱۳۹۵). «طراحی و تبیین الگوی مرجعیت علمی در آموزش عالی ایران بر اساس زندگینامه اندیشمندان کشور با رویکرد تحلیل مضمون». بازیابی دانش و نظامهای معنایی، ۳(۶): ۴۰-۲۰. <https://doi.org/10.22054/jks.2016.4994>
- حافظی، رضا؛ فرشته میرزا رسولی و میترا امین‌لو (۱۴۰۱). «ویژگی‌ها و چالشهای مرجعیت علمی ایران از منظر سرآمدان». سیاست علم و فناوری، ۱۵(۳): ۴۰-۲۹. 10.22034/jstp.2022.13956
- سعدآبادی، علی‌اصغر؛ زهره رحیمی راد و کیارش فرتاش (۱۳۹۹). «کاربست نوآوری اجتماعی برای افزایش مشارکت اجتماعی جهت نیل به مرجعیت علمی». مدیریت در دانشگاه اسلامی، ۹(۱): ۱۶۴-۱۴۱. 10.22034/miu.2020.866
- طاهری، محمدمهدی (۱۳۹۸). «تحقق مرجعیت علمی رویکردی کلیدی برای خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی». فرهنگ و ارتقای سلامت، ۳(۱): ۱۰۲-۹۸. <http://ijhp.ir/article-1-151-fa.html>
- کوشازاده، فاطمه؛ احمد اکبری، علی معقول، مهدی جباری و علی کوشازاده (۱۳۹۸). «شناسایی و اولویت‌گذاری عوامل مؤثر بر مرجعیت علمی دانشگاه». پژوهش در نظامهای آموزشی، ۱۳(۴۷): ۱۳۳-۱۵۲. <https://doi.org/10.22034/jiera.2019.173167.1816>
- مهدی‌نژاد نوری، محمد؛ پیام برزگر، مهدی فاتح راد و محمدمهدی زاهدی (۱۳۹۹). «تدوین چارچوب معماری علم، فناوری و نوآوری به منظور دستیابی به مرجعیت علمی». مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی، ۴(۱۳): ۷۱-۱۱۰. 20.1001.1.74672588.1399.4.13.3.0
- Balász, B.; P. Mooney, E. Nováková, L. Bastin & J.J. Arsanjani (2021). "Data quality in citizen science". In: K. Vohland, A. Land-Zandstra, L. Ceccaroni, R. Lemmens, J. Perelló, M. Ponti, R. Samson & K. Wagenknecht (Eds). *The Science of Citizen Science* (139-158). London: Springer Nature.

- Dalby, O.; I. Sinha, R.K. Unsworth, L.J. McKenzie, B.L. Jones & L.C. Cullen-Unsworth (2021). **"Citizen Science driven big data collection requires improved and inclusive societal engagement"**. *Frontiers in Marine Science*, 8: 432-441.
- Ekström, B. (2023). **"Thousands of examining eyes: credibility, authority and validity in biodiversity citizen science data production"**. *Aslib Journal of Information Management*, 75(1): 149-170. <https://doi.org/10.1108/AJIM-10-2021-0292>
- Eleta, I.; G.G. Clavell, V. Righi & M. Balestrini (2019). **"The promise of participation and decision-making power in citizen science"**. *Citizen Science: Theory and Practice*, 4(1): 1-9.
- Frigerio, D.; A. Richter, E. Per, B. Pruse & K. Vohland (2021). **"Citizen Science in the natural sciences"**. In: K. Vohland, A. Land-Zandstra, L. Ceccaroni, R. Lemmens, J. Perelló, M. Ponti, R. Samson & K. Wagenknecht (Eds). *The Science of Citizen Science* (79-96). London: Springer Nature.
- Multas, A.M. & N. Hirvonen (2022). **"Let's keep this video as real as possible: young video bloggers constructing cognitive authority through a health-related information creation process"**. *Journal of Documentation*, 78(7): 42-64. <https://doi.org/10.1108/JD-02-2021-0027>.
- Whitley, R. (2014). **"How do Institutional Changes Affect Scientific Innovations? The Effects of Shifts in Authority Relationships, Protected Space, and Flexibility"**. *Organizational Transformation and Scientific Change: The Impact of Institutional Restructuring on Universities and Intellectual Innovation (Research in the Sociology of Organizations)*, 42: 367-406. <https://doi.org/10.1108/S0733-558X20140000042012>
- Amirarjamandi, S.; B. Sarukhani & M. Navabakhsh (2022). **"Scientific authority and eco-oriented values in the comprehensive scientific map of the country"**. *Islamic Education and Training Quarterly*, 7(3): 33-64. (Persian)
- Bakhtiari, H.; J. Jafari, M.B. Molasadeghi & H. Abbasi (2021). **"Designing a structural-interpretive model of the components affecting the scientific authority of the university (case study: Imam Sadegh University)"**. *Strategic Management Thoughts Quarterly*, 15(2): 45-84. (Persian)
- Hafizi, R.; F. Mirza Rasouli & M. Aminlo (2022). **"Characteristics and challenges of Iran's scientific authority from the perspective of leaders"**. *Science and Technology Quarterly*, 15(3): 29-40. (Persian)
- Koshazadeh, F.; A. Akbari, A. Maaghool, M. Jabbari & A. Koshazadeh (2019). **"Identifying, classifying and prioritizing the factors affecting the academic authority of the university"**. *Research Quarterly in Educational Systems*, 13(47): 133-152. (Persian)
- Mahdinejad Nouri, M.; P. Barzegar, M. Fateh Rad & M. Zahedi (2020). **"Compilation of the architectural framework of science, technology and innovation in order to achieve scientific authority"**. *National Defense Strategic Management Studies Quarterly*, 4(13): 71-110. (Persian)

- Saadabadi, A.; Z. Rahimi Rad & K. Firtash (2020). "**Application of social innovation to increase social participation to achieve scientific authority**". *Management Quarterly in Islamic University*, 9(1): 141-164. (Persian)
- Taban, M.; A. Yasini, A. Shiri & E. Mohammadi (2016). "**Designing and explaining the model of scientific authority in Iran's higher education, based on the biographies of the country's intellectuals with thematic analysis approach**". *Knowledge Recovery and Semantic Systems Quarterly*, 3(6). 20-40. Doi: 20.1001.1.29808243.1395.3.6.2.1(Persian)
- Taheri, M.M. (2019). "**Realization of scientific authority as a key approach for self-improvement, socialization and civilization**". *Culture and Health Promotion Quarterly*, 3(1): 98-102. (Persian)

